

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۳۴۲ - ۳۵۳

## وقف در آموزه های قرآن و روایات و عملکرد عالمان دینی

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>

محسن بندانی<sup>۲</sup>

آسماء زمانی<sup>۳</sup>

سیدامیر دبیری<sup>۴</sup>

### چکیده

یکی از شاهکارهای قانون اسلام که بر اساس تعاون و حسن نوع دوستی بنا شده و در دنیای امروز نیز شایان توجه می باشد، موضوع «وقف یا باقیات صالحات» است. در عصر کنونی مسأله «وقف» ارزش خود را از دست نداده است و از این رهگذر می توان طبق مقتضیات روز، در پیشرفت تعلیم و تربیت مسلمانان و تأمین نیازمندی های مادی و معنوی و رفع بسیاری از گرفتاری ها و سختی ها استفاده کرد. یکی از مظاهر عالیّه تمدن و بشر دوستی و منابع تعلیم و تربیت عمومی در ایران و

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، ایران، نویسنده مسؤول.

kariminia@quran.ac.ir

۲. طلبه سطح سه بیوسته (کارشناسی ارشد)، رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، شهر مشهد، استان خراسان رضوی، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

mohsenbandani۲۰۵۳@mailfa.com

۳. سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، بندرعباس، استان هرمزگان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

Alireza۸۰۴۱۷۸۶۱@gmail.com

۴. دارای مدرک تخصصی سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته حقوق خصوصی، مدرسه عالی قضاوت، قم، ایران، طلبه سطح چهار (دکتری)، رشته فقه و اصول، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

dabiriamir۱۱۳۲@gmail.com

سایر کشورهای اسلامی، «اوقاف و صدقات جاریه» است که متجاوز از هزار سال از درآمد آنها، بهترین دانشگاه ها، بیمارستان ها، حمام ها، خانه ها، کاروانسراها، پل ها، مساجد و مدارس و سایر مؤسسات خیریه اجتماعی، به وجود آمده و هزاران دانشمند، فیلسوف، شاعر، نویسنده و پزشک از میان آنها برخاسته اند. عالمان دینی به تبعیت از سیره و عملکرد پیشوایان دینی به این امر مهم توجه خاص نموده و ده ها اثر ماندگار و نیک و باقیات صالحات از خود به یادگار گذاشته و ذخیره ارزشمندی برای سرای باقی اندوخته اند.

**کلیدواژه ها:** وقف، باقیات صالحات، صدقه جاریه، انفاق، موقوفات.

## مقدمه

«و الباقیاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا»<sup>۱</sup>

یکی از شاهکارهای قانون اسلام که بر اساس تعاون و حس نوع دوستی بنا شده و در دنیای امروز نیز شایان توجه می باشد، موضوع «وقف یا باقیات صالحات» است.

هدف اصلی از «وقف» تأسیس و تثبیت محل سکونت و منبع ارتزاق و بالأخره، تأمین قسمتی از نیازمندی های عمومی یا دسته ای از فرزندان واقف یا دانشمندان، بیماران، مسافران و سایر طبقاتی است که به نحوی باید حمایت شوند.

جالب این است که در عصر کنونی مسأله «وقف» ارزش خود را از دست نداده است و از این رهگذر می توان طبق مقتضیات روز، در پیشرفت تعلیم و تربیت مسلمانان و تأمین نیازمندی های مادی و معنوی و رفع بسیاری از گرفتاری ها و سختی ها استفاده کرد.

از امام صادق (علیه السلام) نقل است که فرمود:

شش چیز است که شخص مؤمن پس از مرگش از آن بهره مند خواهد شد: ۱- فرزند صالحی که برای او طلب آمرزش کند؛ ۲- قرآنی که خوانده شود؛ ۳- چاه آبی که احداث نماید؛ ۴- درختی که بنشانند؛ ۵- آبی که جاری سازد؛ ۶- کار نیکی که پس از وی، مردم از آن بهره مند شوند.

۱. کشف، ۴۶: باقیات صالحات (ارزش های پایدار و شایسته) نزد پروردگارت بهتر و امید بخش تر است.

براستی می توان ادعا کرد که یکی از مظاهر عالیّه تمدن و بشر دوستی و منابع تعلیم و تربیت عمومی در ایران و سایر کشورهای اسلامی، «اوقاف و صدقات جاریّه» است که متجاوز از هزار سال از درآمد آنها، بهترین دانشگاه ها، بیمارستان ها، حمام ها، خانه ها، کاروانسراها، پل ها، مساجد و مدارس و سایر مؤسسات خیریه اجتماعی، به وجود آمده و هزاران دانشمند، فیلسوف، شاعر، نویسنده و پزشک از میان آنها برخاسته اند.

در قرون وسطی که سراسر دنیای مغرب زمین را تاریکی جهالت فراگرفته بود و هنوز هیچ یک از مظاهر تمدن و سازمان های اجتماعی وجود نداشت، در میان ملل اسلامی، بویژه ایران، سرمایه فناپذیر و پرسود و برکتی بود که از ایمان مذهبی سرچشمه می گرفت. این سرمایه عبارت است از «اوقاف، خیرات، و صدقات جاریّه» که هنوز آثار و ثمرات آنها در همه جا دیده می شود. حتی در عصر تمدن کنونی، نیز از این راه می توان بسیاری از دردها و رنج های بشر را تسکین داد و در پیشرفت تعلیم و تربیت کمک نمود، مشروط بر آن که منظور، خدمت به نوع بشر باشد نه تظاهر به امر خیر و استفاده شخصی!

## ۱. تعریف وقف

قانون مدنی ایران در ماده ۵۵، وقف را این گونه تعریف می کند:

«وقف عبارت است از این که عین مال، حبس و منافع آن تسبیل شود».

منظور از «حبس نمودن عین مال»، نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و همچنین تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد و منظور از «تسبیل منافع»، واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه اجتماعی می باشد. (امامی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۶۸-۶۹).

و مشهور فقهای امامیه، وقف را این گونه تعریف نموده اند: «الْوَقْفُ هُوَ تَحْبِيسُ الْعَيْنِ وَ تَسْبِيلُ الْمَنْفَعَةِ» (خمینی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۶۱).

## ۲. وقف در قرآن کریم

آیات فراوانی از قرآن کریم به مؤمنان توصیه می نماید که بخشی از مال خود را به فقرا و مستمندان اختصاص دهند. اگرچه آیه ای که مستقیماً به وقف و موقوفات پردازد، نداریم، ولی آیات صدقه، زکات و انفاق در مفهوم کلی، شامل «وقف» نیز می شوند؛ چرا که در روایات اسلامی از «وقف» به «صدقه جاریّه» تعبیر شده است. البته یک شأن نزول در مورد وقف بیان شده است که بدان اشاره می کنیم:

امام باقر (علیه السلام) از پدران بزرگوارش نقل می کند که روزی رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) از راهی عبور می کرد، مردی را دید که مشغول کاشتن درخت بود، حضرت به او فرمود: آیا می خواهی تو را به کاشتن چیزی راهنمایی کنم که اصل آن ثابت و میوه آن طیب و پاکیزه باشد؟

مرد گفت: بله یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد.

حضرت فرمود: هرگاه صبح و عصر بر تو گذشت بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ؛ یعنی: خداوند متعال، پاک و منزّه است، و حمد و ثنا مخصوص اوست، و نیست خدایی سزاوار پرستش، مگر خداوند و او بزرگ تر است از این که او را وصف کنند»؛ اگر چنین کنی، برای هر تسبیح، ده درخت از انواع میوه ها برای تو خواهد بود و این درخت ها از باقیات صالحات است.

مرد گفت: ای رسول خدا! تو را گواه می گیرم که این باغ من وقف فقراى مسلمین از اهل صغه باشد.

در این جا بود که این آیه نازل شد: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَقَ بِالْحُسْنَى فَسَنِيَرُهُ لِيُسْرَى، (لیل: ۵)؛ و اما آن که حق خدا را داد و پروا داشت و پاداش نیکوتر را تصدیق کرد، بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۸۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۶۷ش، ج ۱۰، ص ۶۱۳).

### ۳-۱. وقف معصومین (علیهم السلام)

در تاریخ و روایات اسلامی نیز به موقوفاتی از معصومین (علیهم السلام) بر می خوریم و همچنین وقف نامه هایی از آن بزرگواران وجود دارد، که به چند مورد آنها اشاره می شود:

#### ۳-۱-۱. نخستین موقوفه در اسلام

تاریخ نخستین موقوفه در اسلام با نام «مُخَيْرِيق» و غزوه أُحُد پیوند دارد. «محمد بن سعد» متوفای سال ۲۳۰ ق. زیر عنوان: «صدقات پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)» آورده است:

نخستین صدقه در اسلام، وقفی بود که پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) پس از کشته شدن «مُخَيْرِيق» در «أُحُد» از خود برجا نهاد (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۰۱).

مُخَيْرِيق، توانگرترین مرد «بنی قینقاع» و از اخبار یهود و از آگاهان به احکام تورات بود. وی با آن که از روی صفات و نشانه های پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به پیامبری آن حضرت پی برده بود، از دین خویش که بدان خو گرفته بود، دست برنمی داشت. با این حال، با آن که همچنان بر دین یهود بود، روز شنبه که جنگ أُحُد آغاز

شد، پیش یهودیان آمد و گفت: به خدا سوگند! شما خود می دانید که بر شما فرض است که محمد را یاری دهید. یهودیان بدو پاسخ دادند: امروز شنبه است.

مُخیرِیقِ گفت: دیگر شنبه ای در کار نیست. آن گاه سلاح برگرفت و در اُحد به پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) پیوست. وی قبل از آن که آهنگ «اُحد» کند، به «محمد بن مسلمه»، «سَلْمَةُ بن سَلْمَةَ» و خویشان خود وصیت کرد:

«اگر من کشته شدم، دارایی من در اختیار محمد خواهد بود تا بنا بر رهنمود خدای عزَّ و جَلَّ، در هر راه که خواهد، صرف کند.»

هنگامی که جنگ به پایان رسید و مسلمانان شهدا را به خاک می سپردند، مُخیرِیقِ را در حالی که چند زخم خورده بود، کشته یافتند. وی را بی آن که نماز بر او گزارند، در گوشه گورستان مسلمانان دفن کردند. نه آن روز، و نه پس از آن شنیده نشد که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) برای او آمرزش خواهد؛ جز آن که فرمود: «مخیرِیقِ بهترین یهودی بود» (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۰۲؛ واقدی، ۱۹۶۶م، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۳؛ ابن شُبَّه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۳).

## ۲-۳. وقف هفت مزرعه از ناحیه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

در عصر رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) هفت مزرعه وجود داشت که از آن پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) بود. آن حضرت از درآمد محصول آنها مخارج مهمانان و کسانی که بر او وارد می شدند را تأمین می کرد. پس از رحلت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ)، حضرت فاطمه (علیها السَّلَام) این مزارع را به ارث برد.

ابوبصیر می گوید: حضرت امام باقر (علیه السَّلَام) به من فرمود: آیا نمی خواهی وصیت حضرت فاطمه (علیها السَّلَام) را برای تو بازگو کنم؟

عرض کردم: آری می خواهم.

امام باقر (علیه السَّلَام) جامه دانی را بیرون آورد و از میان آن، نامه ای را خارج کرد و آن نامه را که وصیت نامه حضرت زهرا (علیها السَّلَام) در مورد وقف مزارع هفتگانه بود، چنین خواند:

بسم الله الرحمن الرحيم. این وصیتی است که فاطمه، دختر پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) به آن وصیت نموده است که حوائط سبعة (باغ ها یا مزارع هفتگانه) که عبارتند از (عواف، دلال، برقه، میثب، حسنی، صافیه و مال مشربه) أم ابراهیم» وقف باشد و تولیت آن را به علی بن ابی طالب واگذار کردم و پس از وفات او، تولیت آن را به

فرزندم حسن و پس از او به حسین و پس از او، تولیتش با بزرگ ترین فرزندانم باشد. خداوند بر این وصیت گواه است. مقداد و زبیر بر آن گواهی می دهند. این وصیت را علی بن ابی طالب نوشت (عبدوس و محمد محمدی اشتهاودی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۲۰۶).

### ۳-۳. وقف دو چشمه از سوی حضرت علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) در عصر خلفای سه گانه، بیشتر به امور کشاورزی اشتغال داشت. او با زحمات و تلاش های خود چندین باغ احداث کرد و چندین چشمه و مزرعه را احداث و نوسازی نمود و از دسترنج خود هزار برده خرید و آزاد ساخت. نگهداری و سرپرستی دو چشمه و باغ را به «ابونیزر» فرزند نجاشی پادشاه حبشه، واگذار کرد. یکی از آنها به نام باغ «ابونیزر»، و نام دیگری باغ «بَغِیغَه» بود.

ابونیزر می گوید: من در باغ بودم، روزی امام علی (علیه السلام) وارد باغ شد، فرمود: آیا غذا در نزد تو هست؟

عرض کردم، با روغن و کدویی که از این باغ به دست آمده، غذایی آماده ساخته ام.

فرمود: آن غذا را بیاور بخوریم.

من برای آماده کردن غذا برخاستم. آن حضرت نیز برخاست و کنار آب چشمه رفت و دست خود را شست و متوجه شد که دستش بخوبی شسته نشده، به کنار نهر آب بازگشت و با آب و ماسه تمیز، دست خود را کاملاً تمیز شست سپس با دو کف دست از آب آشامید. سپس به من فرمود: «کف دست ها، تمیزترین ظرف ها است».

سپس نم آب را که در دستش بود به شکمش مالید و فرمود: کسی که با خوردن مال حرام شکمش را پر از آتش کند، خداوند او را از رحمتش دور سازد: «مَنْ أَدْخَلَ بَطْنَهُ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، (ابن ابی فرّاس حلی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۴۶؛ ابن هبه الله، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۷، حدیث ۳۴۰)؛ ترجمه: هر کس شکمش او را وارد آتش کند، خداوند، او را [از رحمتش] دور سازد!».

سپس آن حضرت کلنگ را به دست گرفت و داخل چاه چشمه شد و به لایروبی قنات پرداخت. درحالی که عرق از پیشانی می ریخت، از چاه بیرون آمد و بار دیگر به داخل چاه رفت و همچنان به لایروبی پرداخت هنگام کلنگ زدن به زمین چاه، صدای همهمه آن حضرت به بیرون چاه می رسید. ایشان قنات را به گونه ای پاکسازی نمود که به اندازه گردن شتر آب آن زیاد شد! سپس با شتاب از چاه بیرون آمد و فرمود:

خدا را گواه می گیرم که این چشمه و باغ را وقف کردم؛ آن گاه به من فرمود: دوات و کاغذی بیاور، من با شتاب رفتم و قلم و دوات و کاغذ آماده کردم و به حضورش آوردم. آن حضرت وقف نامه را چنین نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم. این دو باغ را بنده خدا علی، امیرمؤمنان، وقف کرد. نام این دو باغ، چشمه «ابونیزر» و چشمه «بُغْيَعَه» است تا محصول آن وقف فقراى مردم مدینه و مسافران در مانده گردد. «لِئَلَّيْ بِيْهَمَا وَجَهَهُ حَرَّ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (مُبرّد نحوی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۲۷؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۸ش، ج ۱۳، ص ۳۵۹)؛ ترجمه: تا با وقف این دو باغ، علی چهره اش را از گرمای آتش قیامت حفظ کند».

این دو باغ فروخته نشود و به کسی بخشیده نشود تا خداوند که بهترین وارث است، آن را به ارث ببرد (یعنی تا قیامت وقف باشد)؛ مگر آن که حسن و حسین به این دو باغ نیازمند گردند که در این صورت برای آن دو است؛ نه آزاد و رها در دست دیگران.

نقل شده که امام حسین (علیه السلام) مقروض شد. معاویه دویست هزار دینار برای امام حسین (علیه السلام) فرستاد که چشمه «ابونیزر» را به دویست هزار دینار بفروشد. آن حضرت قبول نکرد و فرمود پدرم این دو چشمه و باغ را وقف نموده تا صورتش در قیامت از حرارت آتش محفوظ بماند. بنابراین، آن را به هیچ قیمتی نمی فروشیم (حموی، ۱۹۷۹م، ج ۴، ص ۷۶؛ به نقل از: محمدی اشتهاردی، ۱۳۹۲ش، ج ۴، ص ۱۲۳).

## ۴. وقف و خدمات عالمان دینی

اولیای خدا و مردان بزرگ را در دنیا با همه زینت ها و ظاهر فریبنده اش نمی تواند بفریبد. آنان علاقه و دل بستگی به دنیا را رها کرده و چنان چه کاری انجام دهند، برای منفعت و سود شخصی نیست. آنها زمان طولانی با زحمات طاقت فرسای خویش، کاری را انجام می دهند و وقتی به نتیجه می رسند، کار آماده شده را برای استفاده دیگران وقف می کنند و به هیچ وجه به خود اختصاص نمی دهند. عالمان دینی، علاوه بر این که خود را وقف ترویج علم و دین می نمودند، چنان چه توان مالی داشتند، از وقف مال غافل نبودند و موقعیت دینی و اجتماعی خود را، در راه احیا و نگهداری موقوفات به کار می بستند. در آینه عالمان دینی، افرادی همچون خواجه نصیر طوسی، علامه حلّی، شهید اول، علامه مجلسی، شیخ عبدالکریم حائری، علامه شرف الدین، صاحب جواهر، سیدمحسن امین، آیت الله گلپایگانی، آیت الله مرعشی نجفی و امام خمینی تجلی می کنند که در این جا به چند مورد اشاره می کنیم:

### ۴-۱. وقف و خدمات خواجه نصیرالدین طوسی

دانشمند سیاستمدار خواجه نصیر طوسی توانست از به آتش کشیده شدن کتابخانه بزرگ حسن صباح در فتح «قلعه آلموت» به دست مغولان جلوگیری کند. مغول ها که از تمدن بهره ای نداشتند و قدر و منزلت کتاب را نمی دانستند، پس از فتح قلعه آلموت تصمیم گرفتند که کتابخانه آن جا را به آتش بکشند که با تدبیر و هوشیاری خواجه نصیر الدین و جوینی از این کار جلوگیری شد و آن گنجینه از خطر نابودی نجات یافت (وفایی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۶).

## ۲-۴. وقف و خدمات علامه حلّی

علامه حلّی نواحی وسیعی را با مال و دست خود آباد کرد و برای استفاده عموم وقف نمود و این یکی از فضیلت های ممتاز وی بود که در زندگی کمتر دانشمند و فقیهی به چشم می خورد. یکی از دانشمندان می گوید:

برای علامه حلّی آبادی های زیادی بود که خود، نه‌های آب آنها را حفر و با پول و ثروتش زنده کرد. این آبادی ها به کسی تعلق نداشت و در زمان حیاتش آنان را وقف کرد (امامی، محمدحسن، ۱۳۷۳ش، ص ۱۳۸).

از خدمات فرهنگی و اولیه شهید اول بعد از بازگشت از هجرت علمی عراق و حلّه این بود که در زادگاهش «جزین» مدرسه ای تأسیس کرد که این مدرسه از بقیه مدارس جبل عامل پیشرفته تر و در تدریس فقه و اصول پیشگام تر بود. در واقع، شهید اول تحوّل را که در فقه و اصول از زمان علامه حلّی در حلّه به وقوع پیوست، به جبل عامل منتقل کرد و از زمان خودش شاگردان زیادی را تربیت کرد که همه آنان از فقها و مجتهدین به نام بودند. در حوزه درسش دانشمندان و علمای زیادی شرکت می کردند. البته در این مدّت رابطه خویش را با استادش «فخر المحقّقین» قطع نکرد و پیوسته با وی در ارتباط بود (امامی، ۱۳۷۲ش، ص ۴۷).

## ۳-۴. وقف و خدمات اجتماعی علامه مجلسی

در زمان مجلسی ها، پدر و پسر، طبق اسناد به موقوفاتی در اصفهان برمی خوریم که این دو بزرگوار در آن امر خیر سهیم بوده اند و مردم با ایمان و خیر اندیش را مشمول این فیض ماندگار نموده اند.

علامه مجلسی در وقفیات اصفهان سهم اساسی داشته و دارد او بود که با مواعظ و نصایح نافذ خود و در زمان شیخ الاسلامی و قدرت و نفوذ خویش و در انبوه تألیفاتش، مسأله وقف و ثواب آن را به مردم اصفهان گوشزد نمود که هنوز هم آن مردم با ایمان در این خصوص گوش دل به فرمان علامه مجلسی دارند و بیشتر تحت تأثیر مکتب و رهنمودهای او موفق به این توفیقات شده اند (دوانی، ۱۳۹۳ش، ج ۸، ص ۵۰۹).

## ۴-۴. وقف و خدمات اجتماعی آیت الله شیخ عبدالکریم حائری

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری در عصری زندگی می کرد که به جهت حاکمیت ظلم، عدالت اجتماعی در جامعه آرزویی دست نیافتنی می نمود. در کوچه و بازار و معابر عمومی شهر، خصوصاً اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) وجود فقرا و تهیدستان که به گدایی روزگار می گذرانند، چهره زشتی به این شهر مقدّس داده بود. او از این وضع نابسامان رنجیده خاطر بود و در پی چاره می گشت. ناچار محلی را به نام خانه فقرا اختصاص داد و مستمندان شهر را در آن مکان گرد آورد و بدین ترتیب، صدقات و کمک های مالی مردم خیر و نیک اندیش را در مسیری صحیح صرف اداره امور آنان کرد (عبّاس زاده، ۱۳۷۷ش، ص ۹۳).



در آن زمان، مردم قم همانند مردم بسیاری از شهرهای ایران از داشتن مراکز درمانی محروم بودند تا این که این مشکل به دست پرتوان آیت الله حائری برطرف گردید. یکی از مؤمنین قم به نام سیدمحمد فاطمی که تنها وارثش را از دست داده بود، اموال خود را به آیت الله حائری واگذار می کند و به این ترتیب، بیمارستانی به نام بیمارستان فاطمی و با پیشنهاد و مساعدت آیت الله حائری احداث می گردد (همان)

از خدمات دیگر مؤسس حوزه علمیه قم انتقال قبرستان قم به خارج شهر بود در آن روزها قبرستان بزرگ قم در جوار درب شمالی حرم فاطمه معصومه (سلام الله علیها) قرار داشت و چهره زشتی به بافت قدیمی شهر داده بود شهری که پذیرای زائران اهل بیت (علیهم السلام) و محل درس و بحث طلاب علوم دینی به شمار می رفت، به صورت قبرستانی بزرگ به نظر می آمد!

آیت الله حائری در این جهت نیز گام ارزشمندی برداشت در آن سوی رودخانه که آن روزها خارج از شهر محسوب می شد، زمین وسیعی را خریداری کرد و آن را به عنوان قبرستان عمومی شهر وقف نمود که این قبرستان قدیمی هم اکنون به «قبرستان نو» معروف است (همان، ص ۹۴).

## ۵-۴. وقف و خدمات اجتماعی علامه شرف الدین

استعمارگران غربی برای گسترش و تحکیم سلطه خیانت آمیز، در رسیدن به مقاصد و مطامع شیطانی خویش در کشورهای اسلامی همواره کوشیده اند تا فرهنگ منحط و فسادآلود خود را جایگزین فرهنگ و تربیت اسلامی و ملی مردمان این سرزمین ها نمایند و الگوها و آداب و رسوم اصیل مذهبی و ملی آنان را که در اصل مجموعه ای است از استقلال و فضیلت های الهی و انسانی، کم ارزش و کهنه جلوه دهند.

علامه سیدشرف الدین، اصلاح دستگاه های آموزش و پرورش جامعه خود را آغاز کرد و برای ساختن مدرسه در شهر «صور» مصمم شد و در این کار تمام کسانی را که امکان کمک مادی داشتند، دعوت به همکاری کرد؛ همچون بازرگانان، ثروتمندان و مالکان نیکوکار.

ابتدا مدرسه ای ابتدایی برای آموزش و پرورش کودکان مسلمان به نام «المدرسه الجعفریه» در سال ۱۳۵۷ قمری تأسیس کرد که علاوه بر دروس جدید، معارف و اخلاق اسلامی نیز به بچه های مسلمان آموزش می دادند و در سال ۱۳۶۱ قمری مدرسه ای به نام «مدرسه الزهراء» تأسیس نمود (قلی زاده، ۱۳۷۲ش، ص ۱۶۹-۱۷۵).

خود او صبح روزهای پنج شنبه، به مدرسه پسران و سپس به مدرسه دختران می رفت و در آن جا درسی می گفت و در سال ۱۳۶۸ قمری دانشکده ای به نام «الکلیه الجعفریه» (دانشکده جعفریه) را افتتاح کرد که امروزه یکی از عظیم ترین و پیشرفته ترین مراکز علمی و فرهنگی لبنان به شمار می رود.

از دیگر خدمات آن عالم جلیل القدر، احداث حسینیه ای در شهر صور، جهت اقامه نماز جماعت، درس ها و سخنرانی ها بود (همان).

#### ۶-۴. وقف و خدمات اجتماعی صاحب جواهر

آیت الله محمدحسن نجفی، صاحب کتاب «جواهر الکلام»، متوفای ۱۳۲۶ قمری برای مردم خدمتگذاری صدیق و مهربان بود و هرگز کارهای مهمی که بر عهده داشت، او را از فکر مردم و هم دردی با آنان باز نمی داشت و همواره در کنار مردم و برای مردم بود و هنگامی که دید اهالی نجف دچار بی آبی هستند، دستور حفر نهری برای آبرسانی به شهر را صادر کرد و بودجه هنگفت آن را تقبل نمود و موضوع را با پشتکار و جدیت تمام دنبال کرد، ولی آجل مهلتش نداد و کار به اتمام نرسید، اما بعداً برای آبرسانی از رود فرات به نجف اشرف از همین نهر استفاده شد و به «نهر شیخ» معروف گردید.

از دیگر فعالیت های اجتماعی این فقیه، توجه و عنایت خاصی بود که به «مسجد کوفه» و «مسجد سهله» داشت. در جلو مسجد سهله، ساختمانی برای سکونت خادمین آن و وضوخانه ای برای رفاه حال نمازگزاران احداث کرد تا حرمت و قداست مسجد محفوظ بماند. بنای حرم با صفای حضرت مسلم بن عقیل (علیه السلام) و جناب هانی بن عروه در کوفه نیز از آثار این عالم بزرگوار می باشد (اسلامی، ۱۳۸۴ش، ص ۶۳).

#### ۷-۴. وقف و خدمات اجتماعی آیت الله گلپایگانی

مؤسسات خیریه مرحوم آیت الله گلپایگانی عبارتند از:

الف) دارالقرآن الکریم: هدف از آن، چاپ و نشر قرآن مجید به بهترین شکل، بررسی ترجمه های موجود قرآن و تصحیح آنها از اشتباهات و عرضه ترجمه سلیس و دقیق از این کتاب آسمانی، تشکیل موزه قرآن و جمع آوری نسخه های چاپی قرآن مجید در گوشه و کنار جهان و نیز گردآوری بهترین نسخه های خطی قرآن و چاپ و توزیع کتاب هایی که پیرامون قرآن نوشته شده اند.

ب) تأسیس کتابخانه با بیش از پنجاه هزار جلد کتاب چاپی و یک هزار جلد کتاب خطی.

ج) مجمع جهانی اسلامی لندن: که به فعالیت های دینی و اسلامی مشغول است که در این مرکز صدها تن به دین اسلام و مذهب شیعه گرویده اند.

د) مرکز مُعجم المسائل الفقہیَّة: این مرکز به کار تنظیم کامپیوتری کتاب های فقهی و روایی شیعه، عامه، زیدیّه و اسماعیلیّه پرداخته است.

ه) مدرسه آیت الله گلپایگانی که هر روز چند هزار تن از طلاب و محققین به تحصیل و تدریس مشغول هستند (قمی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۲).

و) بالاخره امام خمینی در طول حیات با برکت خویش در احداث، تعمیر و احیای مساجد، مصلّاهای نماز جمعه، مدارس و مراکز آموزشی و فرهنگی نقش بسزایی داشت.

## نتیجه

۱. انتظار جامعه بشریت برای جبران محرومیت ها این است که مؤمنان آگاه نسبت به سنت نبوی، علوی و فاطمی وقف، این پدیده تعالی بخش انسانی، آگاهی بیشتری یافته و در جهت احیا و به کار بستن آن در حد توان خویش تلاش کنند، تا رضای ایزد منان را کسب و در رفع کمبودها و کاستی های جامعه تلاش نمایند، تا پیوندی ناگسستنی با ریسمان مطمئن ولایت و امامت برقرار گردد.

۲. بر مبلغان، مربیان و افراد دلسوز جامعه اسلامی است که با تبلیغ صحیح: اولاً، مردم را به این سنت الهی و این صدقه جاریه سوق دهند؛ ثانیاً، در حفظ، نگهداری و احیای موقوفات تلاش پی گیری داشته باشند؛ ثالثاً، با ایجاد نظارت های محلی یا رسمی، اموال وقفی را از تعرض افراد دنیا طلب مصون دارند.

۳. هیچ روستا یا شهری نیست، مگر این که به نحوی با وقف و موقوفات سر و کار دارد. مقدار زیادی زمین، باغ و غیره برای مساجد، حسینیه ها، عزاداری ها و دیگر کارهای عام المنفعه وقف شده است، ولی متأسفانه در بسیاری از مناطق به دلیل نبود نظارت و عملکرد صحیح، عمل به وقف نمی شود. وارثان واقفین و نیز افراد دیگر، اموال وقفی را همانند گوشت قربانی! تصاحب نموده اند و در مواردی باغ ها، زمین ها و دیگر مکان های وقفی رها شده و هیچ مسؤولی برای رسیدگی آن وجود ندارد.

۴. و تو خوددانی که چه قدر فرق است بین آن نیک مردان خداجو، که با دلی پاک و نیتی خالص، نتیجه کار و کوشش زندگی را با داشتن اعقاب و اخلاف، در مسیری قرار می دهند که خیر و سعادت جامعه اسلامی در آن است.

و آنانی که از انسان و انسانیت به قدری دورند که بدون پروا و واهمه و بدون توجه به نظر واقف، اصل و فرع آن را در مصارف شخصی، به بدترین وجهی مصرف می نمایند و به قول حافظ:

گوئیا باور نمی دارند روز داوری کاین همه عیب و دغل در کار داور می کنند!

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی فرّاس حلّی، ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، المعروف بمجموعه ورام، تهران، چاپ علی اصغر حامد، ۱۳۷۶ش.
۳. ابن سعد، محمد کاتب واقدی، الطبقات الكبرى، بیروت، دار للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن شَبّه، ابوزید عمر، تاریخ المدینة المنورة، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۵. ابن هبة الله، سعید، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشريف)، ۱۴۰۷ق.
۶. اسلامی، ابراهیم، صاحب جواهر، فقیه جاودانه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۷. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۸. امامی، محمدحسن، علامه حلّی، رأیت و ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۹. امامی، محمدحسن، شهید اول فقیه سربداران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۰. حافظ، شمس الدین، دیوان حافظ، به کوشش: قاسم غنی و مُصحح قزوینی، تهران، نغمه، ۱۳۷۸ش.
۱۱. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۹م.
۱۲. خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسيلة، قم، مکتبه الكاظمی، ۱۳۶۷ش.
۱۳. دوانی، علی، مفاخر جهان اسلام، جلد هشتم، قم، مرکز فرهنگی قبله، ۱۳۹۳ش.
۱۴. عباس زاده، سعید، شیخ عبدالکریم حائری نکهبان بیدار، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۱۵. عبدوس، محمدتقی و محمد محمدی اشتهاردی، فرازهایی برجسته از سیره امامان شیعه علیهم السلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۱۶. قلی زاده، مصطفی، شرف الدین عاملی، چاووش وحدت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۷. قمی، ناصرالدین، آیت الله گلپایگانی، فروغ فقاقت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۱۸. مُبرّد نحوی، ابوالعباس محمدبن یزید، الكامل فی اللغة و الأدب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹ق.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۰. محمدی اشتهاردی، محمد، داستان دوستان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲ش.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ۱۰ جلد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷ش.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۴ جلد، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷ش.
۲۳. واقدی، محمدبن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۶م.
۲۴. وفایی، عبدالوحید، خواجه نصیر یاور و حی و عقل، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴ش.